

باز هم سوء تفاهمی دیگر

آخرین سوء تفاهم

امیرفیض- حقوقدان

امروز با سوء تفاهم دیگری روبرو شدم که خارج از انتظار بود؛ علت خارج از انتظار بودن آن، یک علت فلسفی و اخلاقی است که به اختصار به سراغ آن میرویم.

تفاهم، به معنای معرفت مشترک در موضوع است. معرفت مشترک در موضوعات، سرسلسله ارتباطات است؛ بنابراین برای اینکه ارتباطات مقرون به اصالت و متضمن دستاوردهای مطلوب باشد باید در معرفت مشترک نسبت به موضوعات بوده، مشکل و اختلافی وجود نداشته باشد؛ و چون این موضوع یعنی نبود اختلاف در معرفت مشترک همواره قریب الوقوع هست، لذا مسئله تعبیر آن به سوء تفاهم بوجود آمده است؛ و آن بدان معناست که در درک مقاصد حقیقی مشکلی بوجود آمده است، که فارغ از سوء نیت است که درک معرفت مشترک را دچار خلل ساخته است، که با رفع آن معرفت مشترک به جریان طبیعی خود که ریشه در ارتباطات دارد ادامه خواهد داد.

پس قبول سوء تفاهم، اسباب انحصاری است برای حرکت معرفت مشترک و ایجاد ارتباط ذهنی افراد.

علامت قبول سوء تفاهم و رفع آن در قالب عقد حقوقی است، یعنی در چهارچوب ایجاب و قبول مستقر است. به کلامی دیگر آنکه در مقام رفع سوء تفاهم برمیآید در موضع ایجاب و آنکه سوء تفاهم را میپذیرد در مقام قبول قرار میگیرد.

در تطبیق مورد، در تحریر (سوء تفاهم دیگر) که مربوط به سوء تفاهم آقای دکتر حمزه پور در مورد همکاری بنده با دریادار آریانپور بود دفاع بنده که به مستند رساله (ربات های تیر انداز) تقدیم شد حالت ایجاب را داشت؛ که قاعدتا باید با قبول آقای دکتر حمزه پور مواجه شود تا رفع شبهه و تردید و ابهام از معرفت مشترک مطرح شده، بعمل آید.

متأسفانه برخلاف این قاعده مرسوم اجتماعی آقای دکتر حمزه پور بدون اینکه به لزوم پایان سوء تفاهم نسبت به ادعای همکاری بنده با دریا دار آریانپور توجه داشته باشند یک ادعای تازه دیگری را مطرح کرده اند که (چرا امیرفیض در مجله پیام چیز مینویسد).^۱

۱- منظور مجله یا نشریه پیام است که بیش از بیست سال پیش در پشتیبانی از شاپور بختیار منتشر میشد، اینروز ها «پیام» نشریه، معتادان، انجمن مهندسان، سازمان اوقاف، پیام یونسکو، پیام جنگل و چندين و چند مجله و نشریه و یا وب سایت با عنوان «پیام» منتشر میشود که استاد امیرفیض در هیچکدام از نشریه های دیگر حتا «پیام» آنروز جز «سنگر» نوشته ای نداشته اند و تنها سایت ۱۴۰۰ سال است که با تایید جناب استاد امیرفیض، مفتخر به انتشار نوشته های استاد شده است. آنهم با پیشکش کردن آن برگها به این فرزند پر مباحات و «یکدانه» میهنمان. جریان و دلیل تعطیل سنگر هارا در اینجا بخوانید:

برای رفع سوء تفاهم دیگر

تا آنجاکه سوابق نشان می‌دهد مجله یا روزنامه «پیام» از ابوابجمعی شاپوربختیار بوده است و به شهادت مقالات سنگر ورسالات متعددی که علیه بختیار نوشته شده، سنگر معتبرترین پایگاه های ضد بختیار بوده است؛ و از این فکاهی تر نمیشود که نویسنده سنگرها و تحریرات درجاوید ایران (سایت معتبر



۱۴۰۰ سال)، برود و درمجله «پیام» بختیار چیز بنویسد، این را نمیتوان به سوء تفاهم تعبیر کرد بلکه به اتهام فرصت طلبی ودورویی و بی وجدانی سیاسی و بی اعتقادی امیرفیض نزدیک تر است.

سنگرها در تمام مدت انتشار از فروردین سال ۵۸ تا کنون که در اینترنت در سایت ۱۴۰۰ سال

<http://1400years.amirfeyz.asp>

(به همت جاوید ایران) فعال است حتی یک مقاله از سوی ایرانیان نداشته است و این بدان معنایست که سنگر نخواسته با دیگران در انتشار مواضع سیاسی مشارکت داشته باشد، بلکه از بار نگرانی در تغییر عقیده ی افرادی بود که با روش سنگر منافات داشته و لاجرم سنگرخود را از قبول همکاری دیگران محروم ساخته است.

بنابراین ضمن تکذیب ادعای آقای دکتر حمزه پور جدا خواستار اثبات ادعای نزدیک به اتهام مقاله نویسی بنده برای مجله «پیام» میباشم و یا آقای حمزه پور آثرا بر رابطه سوء تفاهم قرارداد و براه تائید و معذرت خواهی آن برآیند.

آخرین سوء تفاهم

به این تحریر عنوان آخرین سوء تفاهم داده شده؛ زیرا موضوعی که سبب معرفت مشترک با آقای

دکتر حمزه پور شده است **مسئله رفع تحریم سیاسی اعلیحضرت است** که انتظار است

به مناسبت موقعیتی که آقای حمزه پور در هیئت حاکمه جدید آمریکا دارند (بیان خودشان) به رفع مشکل سیاسی ناشی از طرح هنری پرشت کمک کنند؛ لذا این قبیل سوء تفاهمات و یا اتهامات و جواب بنده که ممکن است احتمالا خللی در انتظار از آقای دکتر حمزه پور و یا اراده و قصد ایشان ایجاد کند مطلوب هدف مهمتر که همان تلاش و کوشش ایشان در رفع تحریم سیاسی وزارت خارجه آمریکاست نیست و بنده به توقف آن اهمیت توأم بالزوم را قائلم.